

فصلنامه تخصصی علوم سیاسی

سال هفدهم، شماره پنجاه و چهارم، بهار ۱۴۰۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۱

تاریخ تصویب: ۱۴۰۰/۰۶/۱۱

صفحات: ۷۳-۴۵

## تاملی بر جایگاه حق بر توسعه پایدار با رویکرد به نقش دولت‌ها

بابک علی اصغرزاده

دانشجوی دکتری گروه حقوق، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران

فرامرز عطریان\*

استادیار گروه حقوق، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران (نویسنده مسئول)

غلامحسین مسعود

دانشیار گروه حقوق، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران

### چکیده

توسعه‌ی پایدار، که بازگویی نوعی دیدگاه «نئو مالتوسی» است، دربرگیرنده‌ی رویکردی از بهره‌مندی از محیط‌زیست است که اولاً با استفاده از منابع، محیط زیست، پیوستگی و پایداری را حفظ نموده باشد. ثانیاً با قابلیت تجدیدپذیری، بهره‌مندی و بهره‌برداری از آن منبع، ظرفیت محیط‌زیست و آن منبع برای تولید همان سطح از برداشت، هم به لحاظ کمی و هم به لحاظ کیفی در آینده حفظ گردد. مفهوم پایداری، مفهومی پویا است. پایداری اساساً به معنی «ثبات تعادل در طول زمان» است. تعادل تنها در صورتی می‌تواند حاصل شود که تمام نیروهای برهم‌زننده‌ی تعادل حذف شوند یا نیروهای مخالف بر خنثی کردن آن بپردازند. به علاوه در پایداری، نیاز به رهیافت کلی نگرانه است. همان‌طور که جزئیات را مورد نظر قرار می‌دهد به کل نیز توجه نماید. از طرفی پایداری دلالت بر «نگهداری منابع و ثروت‌ها توسط هر نسل یا هر سطح از توسعه‌ی انسانی». در حقیقت نوع نظام حاکم در قالب ارتباط دولت و مردم بر میزان گسترده‌ی توسعه‌ی پایدار در آن نظام نقش به‌سزایی را ایفا می‌نماید.

**واژگان کلیدی:** حق بر توسعه پایدار، محیط‌زیست، حقوق بشر، حق بر محیط‌زیست سالم، توسعه پایدار.

## مقدمه

حق بر توسعه یکی از مقولات نسل سوم حقوق بشر است که دارای اهمیت و ارزش فراوانی است. این امر ریشه در توافق کشورها دارد، به طوری که در روز چهارم دسامبر ۱۹۸۶ «اعلامیه‌ی حق بر توسعه»<sup>۱</sup> را در چارچوب قطعنامه‌ی شماره‌ی ۴۱/۱۲۸ مجمع عمومی سازمان ملل به تصویب رساندند. در بند دهم از بخش یکم اعلامیه و برنامه‌ی عمل وین مصوب ۱۹۹۳ نیز با اشاره به حق بر محیط‌زیست آمده است: «کنفرانس جهانی حقوق بشر تأکید می‌کند که حق بر توسعه آن چنان که در «اعلامیه‌ی حق بر توسعه» خاطر نشان شده، حقی جهان شمول و غیرقابل انتزاع و بخشی لاینفک از حقوق اساسی انسان‌هاست».

همان‌گونه که در اعلامیه‌ی حق بر توسعه بیان شده است، شخص انسان موضوع اصلی توسعه است، هر چند توسعه، زمینه‌ی بهره‌مندی از تمام حقوق بشر را فراهم می‌سازد، اما فقدان توسعه نباید عاملی برای توجیه محدود کردن حقوق به رسمیت شناخته شده‌ی بین‌المللی باشد. در اینجا پاسخ به این سؤال ضروری به نظر می‌رسد که اصولاً چه ارتباطی بین توسعه و حقوق بشر می‌تواند وجود داشته باشد؟ در پاسخ به این سؤال باید گفت که توجه به نسل سوم حقوق بشر در کنفرانس جهانی حقوق بشر وین مختص کشورهای خاصی نبود. امضاء و تأیید ۱۷۱ کشور بر اعلامیه و برنامه‌ی عمل وین، بیانگر اجماع جامعه‌ی بین‌المللی در مورد نسل سوم حقوق بشر است. بانین، طرفداران و مجریان نسل سوم حقوق بشر تأکید دارند که بایستی به حقوق توسعه‌ی اقتصادی و حقوق مدنی و سیاسی، توجه همزمان داشت. (غلیون<sup>۲</sup>، ۱۹۹۹، ۸۵)

## مفهوم‌شناسی توسعه و پایداری

توسعه به معنای کاهش نابرابری، اجحافات، محرومیت، فقر، فاصله طبقاتی، بیسوادی، بیکاری، اوضاع وخیم بهداشتی، عقب ماندگی، رشد اقتصادی، افزایش درآمدها، دسترسی کافی به کالاها و خدمات، تأمین رفاه همگانی و شکوفایی و به عبارت دیگر فراهم کردن حداقل وسایل و امکانات زندگی مادی و معنوی برای همه شهروندان است. (آتویت، ۱۳۹۲: ۴۵۸) همه این موارد، برای حق زندگی و گسترش حق کرامت انسان و استفاده بهینه‌ی وی از منابع، امکانات و استعدادهای خدادادی ضروری است. به فهرست اخیر باید صنعتی شدن، ارتباطات بهتر و بیشتر، رشد علمی، فنی و فرهنگی و استقرار نظام اقتصادی، اجتماعی و سیاسی مبتنی بر عدالت و گسترش حاکمیت و مشارکت مردم در اداره زندگی خود را نیز افزود. با اینکه توسعه به معنی

1. Declaration on the Right to Development.
2. Gheliun

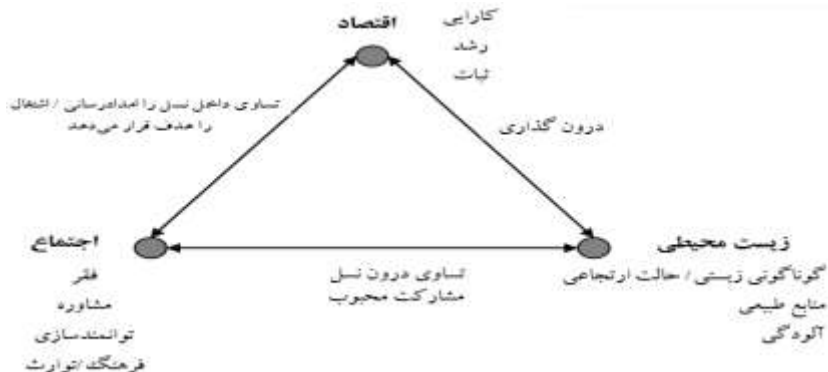
\_\_\_\_\_ تاملی بر جایگاه حق بر توسعه پایدار با رویکرد به نقش دولت‌ها<sup>۵</sup>

بهبود سطح و کیفیت زندگی فردی و اجتماعی مردم در یک جامعه معین است. حق توسعه آنگونه که از اعلامیه حق توسعه مصوب ۱۹۸۶ بر می‌آید به معنای حق برخورداری و تحقق تمامی حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین شناخته شده برای بشر به طور برابر و عادلانه است. (عباسی، ۱۳۹۰: ۴۲۲)

پایداری فرآیندی است که برای بهبود کیفیت زندگی انسان با وجود محدودیت‌های محیط جهانی پیشنهاد می‌گردد. این موضوع شامل راه‌حل‌هایی برای رفاه انسان می‌شود که نتیجه آن از بین رفتن محیط زیست یا تخطی کردن از حقوق سایر مردم نمی‌باشد. (پتريک<sup>۱</sup>، ۱۳۹۱: ۹۳) اگرچه توافق جامعی در مورد مفهوم دقیق پایداری وجود ندارد، به نظر می‌رسد که توافق عامی وجود دارد که مشمول سه بحث پایه‌ای در معیارهای پایداری می‌شود؛ زندگی کردن در میان حدود مشخص ظرفیت زمین برای حفظ زندگی، فهمیدن ارتباطات میان اقتصاد، جامعه و محیط‌زیست، و حفظ یک توزیع عادلانه از منابع و فرصتی برای نسل فعلی و آینده. (زاهدی، ۱۳۹۸: ۸۴)

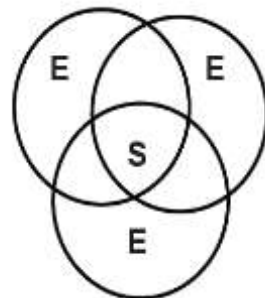
برای فهمیدن پیچیدگی این موضوع، یک چارچوب محبوب مسائل مربوط به پایداری را که در سه طبقه دسته‌بندی می‌شوند را نشان می‌دهد: مسائل اجتماعی/سیاسی، محیطی و اقتصادی. این سه دسته از مسائل به عنوان سه رأس یک مثلث در نظر گرفته می‌شوند- در مثلث<sup>۲</sup> (شکل ۱) نشان داده شده است- و نشان می‌دهد که دستیابی به پایداری شامل پیدا کردن راه‌حلی می‌باشد که مهمات و تأثیرات هر یک از این سه دسته را متعادل سازد. این موضوع نشان می‌دهد که یک سیستم طبقه‌بندی خوب برای ویژگی‌های پایداری و مشکلات برجسته مانند تأثیرات اجتماعی و سیاسی که اغلب در بررسی‌هایی که براساس فرآیندهای طراحی سنتی انجام می‌گیرند در نظر گرفته نمی‌شوند و حذف می‌شوند، یا در شرایطی دیگر بواسطه متغیرهایی مانند زمان، هزینه و کیفیت تحت‌الشعاع قرار می‌گیرند.

- 
1. Patric
  2. Munasinghe



شکل ۱: رویکرد مونسینگ برای توسعه پایدار (آنیه، ۱۹۹۹: ۳۸)

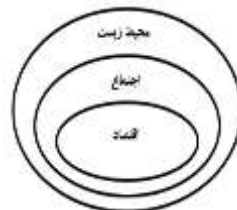
مدل دیگر (شکل ۲) اثر متقابل میان این سه عنصر را با یک "قلمرو پایداری" واسطه که وابستگی بیولوژیکی سیستم‌های اقتصادی و اجتماعی را نشان می‌دهد، در تجارت، مفهوم این سه طبقه‌بندی یکپارچه بعضی اوقات خط مبنای سه گانه نامیده می‌شوند - موجب افزایش منافع، بهبود سیاره (زمین) و بهبود زندگی مردم می‌شود.



شکل ۲: اثر متقابل 3E (اقتصاد، محیط زیست، عدالت)، با یک نقطه واسطه برای پایداری (S)

یک مفهوم باز تعریف شده مفهوم اجتماع به عنوان کل سیستم می‌باشد، که از سه دایره متحدالمرکز تشکیل شده‌اند: اقتصاد در درون جامعه یافت می‌شود، و اقتصاد و جامعه در محیط زیست قرار دارند. شاخص‌های پایداری علاوه بر این‌ها برای اندازه‌گیری مقداری که این مرزها نشان می‌هند استفاده می‌شوند.

شکل ۳: معیارهای پایداری به عنوان یک مفهوم کلی (منبع: داده‌های زیست محیطی گوزن)<sup>۱</sup>



یک چارچوب متفاوت توسط اقتصاد دان هرمن دالی پیشنهاد شده که در آن پایداری را دوباره در مثلث مربوط به 3E - محیط زیست، عدالت و اقتصاد (شکل ۴) چیده است. در قسمت پایین مثلث محیط زیست یا وسایل نهایی که منابع طبیعی را به عنوان پیش شرطی برای آراسته کردن

1. [www.sustainablemeasures.com](http://www.sustainablemeasures.com)

\_\_\_\_\_ تاملی بر جایگاه حق بر توسعه پایدار با رویکرد به نقش دولت‌ها<sup>۵</sup>

زندگی مردم نشان می‌دهند. اقتصاد (که شامل تکنولوژی، سیاست و اخلاقیات می‌شود) که در مرحله بعد می‌باشد، مستقل نیست اما به عنوان یک وسیله برای رسیدن به هدف نهایی بکار گرفته می‌شود. در بالاترین بخش این مثلث اخلاقیات یا هدف نهایی با توجه به خوب بودن زندگی انسان‌ها وجود دارد. براساس گفته‌های Daly، اقتصاد علاوه بر موفقیت‌ها اندازه‌داری نهایی (محیط زیست) را نگهداری و احیا می‌کنند، و دستیابی به اهداف نهایی را محقق می‌سازند.<sup>۱</sup>



شکل ۴: مثلث عدالت، اقتصاد و محیط زیست Daly<sup>۲</sup>

همچنین در سال (۲۰۰۲) بیکر<sup>۳</sup> پیشنهاد کرد که عبارت پایداری روی دیگر سکه رقابت می‌باشد، و اشکالی از سازمان‌ها را ارائه نمود. پایداری در واقع تصدیق گوناگونی و تنوع محیطی و فرهنگی می‌باشد که می‌توانست به امتیازی در مناطق مختلف جغرافیایی تبدیل شود. در اینجا، پایداری تحت عنوان بهینه‌سازی متغیرهای طبیعی شناخته می‌شود که هر محله، منطقه یا کشور در فرآیند توسعه دارا می‌باشد (از طریق تفاوت‌های فرهنگی و محیطی منحصر بفرد آن‌ها).

### مفهوم‌شناسی و سیر تطور توسعه پایدار

در سال ۱۹۹۲، مجمع کلی ملل متحد تقاضای گزارشی در مورد پیشرفت پایداری، که تحت

- 
1. Spies, the sustainability of the pig and poultry industries in santa catarina brazil, university of queensland, Brisbane, Australia, p397
  2. [www.sustainableonoma.org/keyconcepts/dalystriangle.html](http://www.sustainableonoma.org/keyconcepts/dalystriangle.html)
  3. Becker

♦ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال هفدهم، شماره پنجاه و چهارم، بهار ۱۴۰۰ —

عنوان ریو ۹۲<sup>۱</sup> یا کنفرانس ملل متحد درباره محیط زیست و توسعه<sup>۲</sup> شناخته می‌شود. تفاوت بین دستور جلسات ریو در جدول ۱ آورده شده است. (شهنازی و پویا، ۱۳۹۷: ۳۱) براساس مطالعه کیربای و همکاران وی، این تغییر در دستور جلسه ساده نبود چرا که وکلا نیز شرکت داشتند اما به دلیل اینکه بحث در مورد پایداری توسط دولت‌های شمالی انجام می‌گرفت، استفاده از آن سازمان‌های مردم نهاد<sup>۳</sup> زیست محیطی شمالی مانند دوستان زمین<sup>۴</sup> و صلح سبز برای دنبال کردن یک چارچوب توسعه برای وضع موجود که ذاتاً در تضاد با بخش‌های جنوبی می‌باشد. بخش شمالی به سبز تبدیل شد بخش شمالی در نظر گرفته نشد. (مونا<sup>۵</sup>، ۱۹۹۷: ۲۳۷)

جدول ۱: ترکیب صورت جلسات

<u>RIO-92</u>	<u>BRUNDTLAND</u>
قراردادهایی در مورد تغییر آب و هوا	خبر دادن از آینده
جنگل‌ها	توسعه پایدار
تنوع زیستی، تکنولوژی زیتی، منابع زمینی	اقتصاد بین‌المللی
ضایعات خطرناک	جمعیت و منابع انسانی
مواد شیمیایی سمی	امنیت غذایی
آب شیرین	انرژی
	صنعت
فعالیتی برای SD در قرن ۲۱	شه‌رنشینی
آگاهی زیست محیطی	اشتراکات
فقر و محیط زیست	درگیری‌های زیست محیطی و توسعه
بحث‌های مالی	پیشنهادهایی برای تغییرات سازمانی و قانونی
صورت جلسه ۲۱ در مورد مسائل مشترک	
مشور زمین	

خروجی نهایی از کنفرانس ریو ۹۲ از ترسی که در طول جلسه وجود داشت بهتر بود، اگرچه تفاوت اصلی اولویت‌های ایالت‌های شمالی که متقاضی پایداری زیست محیطی بودند و ایالت‌های جنوبی که متقاضی توسعه بودند، تضمین نمود که توافقات تنها در صورتی قابل

1. Rio92
2. UNCED
3. NGOs
4. FOE
5. Mona

\_\_\_\_\_ تاملی بر جایگاه حق بر توسعه پایدار با رویکرد به نقش دولت‌ها<sup>۵</sup>

دستیابی هستند که سخت کار کنند. نتایج ریو ۹۲ به شرح زیر بود:

الف- قرارداد تنوع بیولوژیکی

ب- قرارداد چارچوبی برای تغییر آب و هوا

ج- اصول مدیریت جنگل‌ها

د- صورت جلسه ۲۱ و

ه- بیانیه ریو درباره محیط زیست و توسعه

در مجموعه سند اخیر دست‌آورد ارزشمندی می‌باشد که صورت جلسه ۲۱ سند بزرگی است و ممکن است به عنوان برنامه عملی برای یک سند راهنما برای تمرین خوب برای توسعه پایدار در نظر گرفته شود. درون این سند، چهار گروه از عناوین مورد بررسی قرار گرفته: ۱. توسعه اجتماعی و اقتصادی؛ ۲. مدیریت منابع؛ ۳. تقویت مشارکت گروه‌های اصلی و ۴. روش‌های پیاده‌سازی.

به نظر می‌رسد که نوعی دوگانگی بین ایده‌های مربوط به توسعه پایدار وجود دارد. با توجه به این موضوع، طبیعت تقریباً در سیستم تولید مشارکت دارد (طبیعت به عنوان یک دارایی محسوب می‌شود). از طرف دیگر، نظریه دیگری وجود دارد، که تلاش می‌کند که تسلط بحث اقتصادی را از بین ببرد، و به سمت دیدگاه‌های سودمندگرایانه و محدود که اقتصاد به این ایده تحمیل می‌کند برود. اگرچه تلاش‌های زیادی برای تبیین ایجاد این مفهوم جدید انجام گرفته، اما واقعیت آن است که در میان عملگرهای مختلف و بانیان اقتصادی درگیر در این فرآیند اجماع وجود ندارد. متأسفانه، هیچ توافقی در مورد مسیر رشد اقتصادی وجود ندارد، که برای دستیابی به توسعه پایدار از آن پیروی شود. همانطور که توسط برخی از نویسندگان پیشنهاد شده، آنالیزهای صورت گرفته در مورد حوزه محیط زیستی، همانند کاربرد منابع تجدید ناپذیر و آلودگی، کشورهای نیم کره جنوبی نزدیک‌تر به پایداری در نظر گرفته می‌شوند. (بوم فیم، ۱۹۹۴: ۹۴)

مفهوم اقتصادی توسعه پایدار به مکانیزم‌های جدیدی از بازار به عنوان راه‌حلی برای تصریح کردن تولید برای پشتیبانی از ظرفیت منابع طبیعی اشاره دارد. موضوع در اینجا گسترش قواعد بازرگانی در طبیعت، هدایت تلاش‌های اجتماعی برای کنترل منابع طبیعی در بازار می‌باشد، اما نه از نظر سیاسی. از درگیری‌ها در مورد کنترل منابع طبیعی چشم‌پوشی شده است، تلاش برای بوجود آوردن شرایط بخصوصی برای نگهداری آن‌ها، بدون در نظر گرفتن قواعد سیاسی اجتماعی، که قدرت کنترل و استفاده از آن منابع را اداره می‌کند. در غیر اینصورت، گروهی وجود

---

1. Bumfim

◇ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال هفدهم، شماره پنجاه و چهارم، بهار ۱۴۰۰ —

دارد، که یک توسعه پایدار پیشنهاد می‌دهد که گوناگونی دموکراتیکی را تضمین می‌کند. آن‌هایی که از این موقعیت دفاع می‌کنند، اعتقاد دارند که مکانیزم‌های توسعه پایدار می‌تواند تأثیر تولید و مصرف منابع طبیعی را حداقل سازد، آن‌ها تنها مکانیزم‌هایی هستند که در یک اقتصاد عقلانی بوجود می‌آیند، که در وحله اول توسط تصمیمات سیاسی جوامع پذیرفته می‌شوند. گزینه‌های آینده انتخاب‌هایی هستند که باید بطور اساسی در حوزه سیاسی جای گیرند. راه‌حل بحران زیست محیطی به دنبال دموکراتیک شدن کنترل منابع طبیعی و از طریق غیر شخصی شدن محیط معمولی بدست می‌آید.

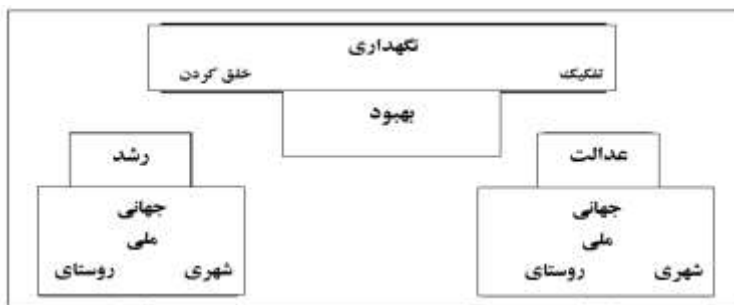
با این حال، بحث و بررسی در مورد انواع توسعه و کیفیت سیستم‌های طبیعی، بصورت مستقل از محتوای آن یا بیانیه‌های سیاسی ادامه داشته است. پس از دو دهه بحث و بررسی، مساله محیط زیست در بحث‌های مربوط به سیاست‌های اقتصادی، روابط بین‌المللی و زمینه‌های دیگر معرفی شد. نگرانی فعلی چگونگی دستیابی به یک شیوه جدید برای توسعه می‌باشد، که در آن مساله محیط‌زیست نیز حاضر می‌باشد. سوای از مباحثی که در مورد اهمیت مفهوم توسعه پایدار وجود دارند، چالشی که پیش روی ماست چگونگی رسیدن به توسعه زیست محیطی پایدار (SED) و چگونگی تعیین موفقیت در دستیابی به آن است. تئوری‌های مختلفی در راستای ارزیابی توسعه پایدار تدوین شده‌اند که شاخص‌های پایداری در همه آن‌ها به عنوان پارامترهای اندازه‌گیری تأثیر سیاست‌ها بیان شده‌اند (روگرز، ۲۰۰۸: ۴۶). به هر روی، برخلاف شاخص‌های اقتصادی چون تولید ناخالص داخلی، حصول اجماع در مورد شاخص‌های توسعه پایدار امری مشکل می‌نماید زیرا این مفهوم امری ایده آل است که شاید به سختی بتوان آن را به یک هدف قابل سنجش تبدیل نمود (لری، بیتا: ۲۰۶). لازم است اشکال جدیدی که می‌توانند به پایداری قابل اعتمادی منجر شوند شناسایی گردد. نوع مدلی که ما می‌توانیم تصور کنیم مدلی است که تمام متغیرها را یکجا جمع کند تا بتواند به راه‌حل‌های جدید برای این بحران اجتماعی و محیطی برسد. (پیرس، ۱۹۹۹: ۵۷)

---

## 1. Sustainable ecologically development

مقصود توسعه‌ای پایداری است که با وارد نمودن حداقل آسیب به محیط زیست و سلامت مردم حاصل می‌شود.





پیچیدگی توسعه پایدار (پیرس، ۱۹۹۹: ۵۲)

در سال (۱۹۸۷) گولند به اجزای سیستم اجتماعی را بواسطه تعریف توسعه پایدار به عنوان "الگویی از تغییر شکل‌های اجتماعی و ساختاری (به عنوان مثال توسعه)، بدون به خطر انداختن ظرفیت آن برای منافع مشابه در آینده" اشاره نمود. از طریق این تعاریف، توسعه پایدار می‌توانست یک مفهوم علمی و اجتماعی، که بیشتر منطقه‌ای، ملی یا حتی بین‌المللی است باشد را در نظر بگیرد.

بسیاری از اطلاعات موجود در صورت جلسه ۲۱ و اسناد مشابه پیشنهاد می‌دهند که توسعه پایدار یک وابستگی متقابل جهانی مدیریت شده با آژانس‌های توسعه بین‌المللی که استراتژی‌های مناسب توسعه را برای مناطق جنوبی تعریف می‌کنند دارد، در حالیکه مناطقی که در شمال قرار دارند از فروش محصولات ارزان‌تر و منابع طبیعی مناطق جنوبی منفعت می‌برند. فرآیند جهانی شدن اقتصادی با توسعه پایدار سازگار نمی‌باشد زیرا شرکت‌های چندملیتی بجای اینکه بدنبال تأسیس نهادی نظارتی بر محیط زیست باشند بیشتر نگران منافع خودشان هستند. متأسفانه این مدل‌های مشارکت (جوینت ونچر) همان‌هایی می‌باشند که قدرت مالی، سیاسی و اجتماعی را برای تأثیر بر تصمیمات ملی و بین‌المللی بر سیاست‌های محیطی دارا می‌باشند. علاوه بر اینها توسعه پایدار باید از مردم عامه، جامعه، رویکردهای فردی نشأت بگیرد.

با توجه به اهمیت توسعه پایدار و نگرانی‌های حفظ محیط زیست، برای احتراز از نابودی مطلق محیط زیست همه انسان‌ها، همه تصمیم‌گیران و مردم در ابعاد جهانی یا ملی و به ویژه در سطح محلی باید این واقعیت مهم را دریابند که پیشرفت و توسعه لازم است روندی پایدار داشته باشد و از ثمرات آن نه تنها نسل‌های حاضر بلکه نسل‌های آینده نیز بهره‌مند شوند. توسعه مردم نباید به قیمت نابودی و اضمحلال زندگی آیندگان که برای دفاع از حقوق خود در حال حاضر حضور ندارند تمام شود. (شریعت، ۱۳۹۵: ۹۵)

در کل مفهوم توسعه پایدار زمانی مطرح شد که موضوعات زیست محیطی سرلوحه کار بحث‌های سیاسی قرار گرفت و بدین ترتیب به جای اینکه این مفهوم به عنوان فشاری بر

◊ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال هفدهم، شماره پنجاه و چهارم، بهار ۱۴۰۰ —  
تغییرات اجتماعی عمل کند، به صورت ابزاری برای حمایت از محیط زیست مطرح شد. با توجه به اینکه بهبود کیفیت محیط زیست و توسعه اقتصادی اهدافی بالقوه سازگار و هماهنگ یا مکمل یکدیگرند، توسعه پایدار برخی از تنش‌های ناشی از بینش متضادی را که در خصوص محدودیت‌های رشد در دهه ۱۹۷۰ ظهور کرد را کاهش می‌دهد. (حاتمی، ۱۳۹۳: ۱۰۲)

### محیط‌زیست پایدار

در دهه‌های اخیر پیشرفته‌ای علمی، آسیب‌پذیری محیط‌زیست را در برابر فعالیت‌های بی‌رویه و غیر عقلانی انسان آشکار ساخت و درک جدیدی از همبستگی بین‌المللی به وجود آورد. ارتباط تنگاتنگ محیط‌زیست و توسعه، مفهوم توسعه پایدار را به وجود آورد. اهمیت محیط‌زیست موجب شد که مجمع عمومی در سال ۱۹۶۸ بر اساس توصیه شورای اقتصادی و اجتماعی تصمیم به برگزاری اولین اجلاس ملل متحد در مورد محیط‌زیست انسانی گرفت. اجلاس ۱۹۷۲ استکهلم شاخص‌ترین و مهم‌ترین فعالیت سازمان ملل متحد در زمینه‌ی محیط‌زیست انسانی بود. یکی از دستاوردهای این اجلاس آشکار کردن ارتباط حفاظت از محیط‌زیست با مفهوم توسعه بود. گروه جهانی محیط‌زیست و توسعه نیز حفظ و حمایت از محیط‌زیست را مستلزم توسعه جوامع انسانی و برطرف نمودن موانع توسعه کشورهای در حال توسعه دانسته و کمیسیون برانت لند<sup>۱</sup> در حقیقت مقدمات برگزاری بزرگ‌ترین اجلاس سازمان ملل در خصوص محیط‌زیست را فراهم آورد. براساس گزارش برانت لند، مجمع عمومی سازمان ملل، اجلاس ریو را در سال ۱۹۹۲ با حضور بیش از ۱۷۰ کشور، شش سازمان تخصصی سازمان ملل متحد، بیش از ۱۴۰۰ نفر نماینده از سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی (NGO) و حدود ۹۰۰۰ روزنامه‌نگار از سراسر جهان برگزار می‌کند. حاصل کار اجلاس ریو، تدوین و تصویب ۵ سند مهم است که در این میان بخصوص اعلامیه محیط‌زیست و توسعه و برنامه عمل معروف به دستور کار ۲۱ بسیار برجسته می‌باشد. اصل ۴ اعلامیه، حفاظت از محیط‌زیست را به عنوان جزء تفکیک‌ناپذیر توسعه تلقی می‌کند. اعلامیه ضمن تأکید بر رابطه انسان و طبیعت، انسان‌ها را موضوع اصلی هرگونه توسعه می‌داند. فصل ۸ اعلامیه با تأکید بر ارتباط توسعه و محیط‌زیست، به سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی و مدیریت مشترک محیط‌زیست و توسعه می‌پردازد. (وکیل، ۱۳۹۳: ۱۰۵)

در دهه ۱۹۸۰ توسعه به عنوان مفهومی چند بعدی و با توجهی خاص به پایداری تعریف شد و توسعه پایدار نه تنها شامل اقتصاد و فعالیت‌های اجتماعی می‌شود، بلکه مسئله جمعیت، شیوه استفاده از منابع طبیعی و به ویژه تأثیرات این عوامل بر محیط‌زیست را نیز در بر می‌گرفت. این

---

1. The Brant Land Commission.

\_\_\_\_\_ تاملی بر جایگاه حق بر توسعه پایدار با رویکرد به نقش دولت‌ها<sup>۵</sup>

خط فکری در گزارش وانت لند در سال ۱۹۸۷ به عنوان بخشی محوری در جهان مطرح شد و با تشکیل «اجلاس سازمان ملل پیرامون محیط‌زیست و توسعه» قوام یافت. نهایتاً در سال ۱۹۹۲ «اجلاس کره زمین» در ریو برگزار شد و از آن پس توسعه و محیط‌زیست به عنوان دو روی یک سکه مطرح شدند. (نصیری، ۱۳۹۹: ۱۲۵)

برخلاف حق توسعه و حق صلح، حق معطوف به محیط‌زیست سالم و پاک جذابیت اولیه‌اش را از دست نداده است. اصل اول اعلامیه استکهلم با این عبارت شروع می‌شود: «هر انسانی از حقوق بنیادی آزادی، تساوی و شرایط متناسب زندگی در محیط مناسبی برخوردار است که برای او حیات باکرامت و رفاه را فراهم می‌آورد.»

اعلامیه ریو راجع به محیط‌زیست و توسعه، ۱۴ ژوئن ۱۹۹۲ در خصوص چگونگی رابطه بین نوع بشر با محیط‌زیست، رهیافت محتاطانه‌تری را اتخاذ کرده و اینگونه بیان داشته که: «انسان‌ها ... به داشتن زندگی سالم و پربار هماهنگ با طبیعت، مستحق تلقی می‌گردند» اعلامیه همچنین تکالیف دولت‌ها در حمایت از محیط‌زیست طبیعی را مورد تأکید قرار می‌دهد. منشور جهانی طبیعت<sup>۱</sup> مصوب ۲۸ اکتبر ۱۹۸۲ مجمع عمومی بیان می‌کند که طبیعت، به همراه آن انسان‌ها به عنوان بخشی از طبیعت باید محترم شمرده شوند؛ (تاموشات<sup>۲</sup>، ۱۳۹۶: ۱۴۱) و اصول ۱۴ تا ۲۴ به نحوه بکار بستن اصول مربوط به حق محیط‌زیست و حفاظت از آن اختصاص یافته است. (شمسایی، ۱۳۸۵: ۱۲)

حق توسعه پایدار یا حق توسعه و حق به محیط‌زیست سالم درهم آمیخته است که نمی‌توان آن‌ها را از هم جدا فرض نمود. (وکیل، ۱۳۹۳: ۱۲۶) تحقق حق برخورداری از محیط‌زیست سالم به عنوان حق بشری در گرو برنامه‌های توسعه پایدار است. در مقابل تحقق حق توسعه پایدار بدون دستیابی به حق به محیط‌زیست سالم و حق توسعه امکان‌پذیر نیست. بدین ترتیب می‌توان گفت، هر نسل برای تأمین منافع و رفاه خود می‌بایست از منابع طبیعی و محیط‌زیست به نحوی استفاده کند که سبب تضعیف توانایی‌های نسل‌های آینده در دستیابی به نیازهایشان نگردد. (گیورگتا، ۲۰۰۴: ۳۸۴)

طرفداران حقوق بشر حق بر محیط‌زیست را به عنوان یک حق مستقل حقوق بشری برای داشتن محیط‌زیست باکیفیت به رسمیت می‌شناسند. حق بر محیط‌زیست هم منعکس‌کننده ارزش‌های متعالی و پایه‌ای همانند حق حیات، حق سلامتی، حق به زندگی با استاندارد است و هم با پیش‌نیازهای تداوم حیات نسل کنونی و نسل‌های آتی همانند توسعه پایدار ارتباط

- 
1. World Charter for Nature.
  2. Tamoshat

◇ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال هفدهم، شماره پنجاه و چهارم، بهار ۱۴۰۰ ———  
 تنگاتنگ و ارگانیک دارد. (گروه صلح حقوق بشر، ۱۳۸۹: ۲۷۲)

حق محیط‌زیست را باید به حق حفاظت از محیط‌زیست تعبیر نمود. در اینجا حفاظت به معنی حمایت در مقابل غریب و بهبود در برخی موارد است.

امنیت زیست‌محیطی در حقوق بین‌الملل نیاز به کاربرد چند اصل زیر دارد:

- اصل برخورداری یکسان از امنیت اکولوژی که بی‌ثباتی ایجادشده در یک بخش از کره زمین را تهدیدی برای کل سیاره تلقی می‌کند؛
- اصل ممنوعیت تجاوز به اکولوژی، شامل منع انتقال مواد آلوده یا فعالیت‌های زیان‌رسان به دیگر کشورها؛
- اصل قانونی بودن مبادله اطلاعات در سطح ملی و منطقه‌ای در خصوص امور اکولوژی؛
- اصل جلوگیری از انتقال برون‌مرزی آثار زیان‌بار با محیط‌زیست؛
- اصل ایجاد و استفاده از مکانیزمی مناسب با روش مسالمت‌آمیز در حل اختلافات زیست‌محیطی به طور خلاصه باید گفت که نهادینه کردن اصل امنیت اکولوژی، ابزاری جدی در حقوق بین‌الملل محیط‌زیست تلقی می‌شود که این اصل به طور عمده کوشش دارد تا مقررات لازم‌الاجرای در جهت جلوگیری از تخریب بیشتر لایه حیاتی کره زمین فراهم کند. (کیس<sup>۱</sup>، ۱۳۹۴: ۱۰۹)

حق بر محیط‌زیست سالم امروزه دیگر حقی شناخته‌شده است و از حقوق نرم به قوام‌یافتگی رسیده است. در اجلاس‌ها و اعلامیه‌های متعددی بر حق برخورداری از محیط‌زیست سالم تأکید شده است. به عنوان مثال می‌توان به منشور طبیعت و ماده ۲۴ از کنوانسیون حقوق کودک اشاره نمود. (کتابچه محیط زیست، ۲۰۰۳: ۵۹)

دسترسی به اطلاعات زیست‌محیطی پیش‌شرط مشارکت عمومی در تصمیم‌سازی و نظارت بر فعالیت‌های حکومتی و بخش خصوصی است. (شیلتون<sup>۲</sup>، ۱۳۸۹: ۸۳)

براساس اعلامیه ریو:

- در توسعه پایدار، انسان مرکز توجه است و انسان‌ها، هماهنگ با طبیعت سزاوار حیاتی توأم با سلامت و سازندگی هستند؛
- توسعه حقی است که باید به صورت مساوی، نسل‌های کنونی و آینده را تحت پوشش قرار دهد؛
- حفاظت از محیط‌زیست بخشی جدانشدنی از توسعه است؛

---

1. Kiss  
 2. Shilton

\_\_\_\_\_ تاملی بر جایگاه حق بر توسعه پایدار با رویکرد به نقش دولت‌ها<sup>۵</sup>  
- کشورها در یک حرکت جمعی باید از سلامت و یکپارچگی نظام طبیعی کره زمین حراست کنند؛

- با توجه به سهم متفاوت در آلودگی محیط‌زیست، کشورها، مسئولیت مشترک ولی متفاوتی در این زمینه دارند.

لذا با توجه به موارد فوق، انتقال فرامرزی ضایعات، رها کردن و نهایتاً انهدام آن‌ها در سرزمین دولت‌هایی که هرگز دارای تجهیزات کافی برای این منظور نیستند، تحقیقاً مؤید خطرات عظیمی برای محیط‌زیست است. به همین دلیل است که شورای حکام برنامه محیط‌زیست سازمان ملل تصمیم گرفت که مسئله مزبور را در جریان اجلاس‌های در مونته‌ویدئو در نوامبر ۱۹۸۱ به عنوان موضوع دارای اولویت قرار دهد. (ممتاز، ۱۳۷۷: ۱۶۷)

لذا حق توسعه پایدار حقی است به عنوان یک فرآیند خاص از توسعه با ملاحظات زیست‌محیطی به نفع نسل‌های آینده، مطمئناً بدون وجود یک‌روند توسعه‌ای در جهان امروز و در میان نسل حاضر نمی‌توان، به صیانت از حقوق نسل‌های آینده پرداخت؛ بنابراین دستیابی بشر به توسعه و بهره‌برداری از قابلیت‌های خود با پیش‌شرط حفاظت از محیط‌زیست امکان‌پذیر است. (کلایر<sup>۱</sup>، ۲۰۰۶: ۵۳)

پیام اعلامیه ریو بسیار روشن بود: بدون اعمال بهتر نظارت‌های زیست‌محیطی، توسعه عاملی مخرب خواهد بود و بدون توسعه شتابان در کشورهای فقیر، سیاست‌های زیست‌محیطی به شکست خواهد انجامید. (گوئل، ۱۳۹۶: ۳۴۵)

اعلامیه اجلاس استکهلم ۱۹۷۲ بین حقوق بشر و حفاظت از محیط‌زیست رابطه‌ای قطعی برقرار می‌نماید. در ماده یک این اعلامیه آمده است: «انسان از حقوق بنیادین برای داشتن آزادی، برابری و شرایط مناسب زندگی در محیطی که به او اجازه زندگی باحیثیت و سعادت‌مند را بدهد برخوردار است. او رسماً مسئولیت حفاظت و بهبود محیط‌زیست برای نسل‌های حاضر و آینده را به عهده دارد» (وکیل، ۱۳۹۳: ۲۴)

اصول ۱۸ تا ۲۰ به ابزارهای سیاست برنامه‌ریزی محیط‌زیست بین‌المللی و مدیریت به وسیله مؤسسات ملی با توسل به علم و فن‌آوری، مبادله اطلاعات و بالاخره آموزش و اهمیت اطلاعات در محیط‌زیست اشاره دارد.

در اصل ۲۲ اعلامیه اشعار می‌دارد که دولت‌ها باید در توسعه بیشتر قوانین بین‌المللی در رابطه با مسئولیت یا جبران خسارت قربانیان آلودگی و دیگر صدمات زیست‌محیطی ... همکاری نمایند.

---

1. Kelayer

۵ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال هفدهم، شماره پنجاه و چهارم، بهار ۱۴۰۰ —  
در نتیجه اجلاس استکهلم، یونپ<sup>۱</sup> (UNEP) و صندوق محیط‌زیست در جهت تقویت و پشتیبانی اعمال اجرایی و مساعدت به عملیات دیگر مؤسسات بین‌المللی به وجود آمدند. (کیس<sup>۲</sup>، ۱۳۹۴: ۵۶)

قسمت «د» اعلامیه هزاره سازمان ملل متحد در خصوص حفاظت از محیط‌زیست مشترک اشعار می‌دارد: «بنابراین تصمیم داریم در همه اقدامات زیست‌محیطی رعایت اصول حفاظت از منابع طبیعی و نظارت بر آنها را در پیش بگیریم و به‌عنوان گام‌های نخست در نظر داریم: ... تلاش‌های دسته‌جمعی خود را برای مدیریت، حفاظت و توسعه پایدار تمامی انواع جنگل‌ها تشدید کنیم.

بهره‌برداری نادرست از منابع آب را با ایجاد و تدوین راهکارهای مدیریتی آب در سطوح منطقه‌ای، ملی و محلی که دسترسی معقول و منصفانه و ایجاد ذخایر کافی را ترویج کند، متوقف سازیم»

تاکنون اقدامات منطقه‌ای خوبی در خصوص محیط‌زیست انجام شده و اسنادی نیز از قبیل منشور اروپائی منابع آب ۲۰۰۱، کنوانسیون حفاظت و استفاده از آبراه‌های فرامرزی و دریاچه‌های بین‌المللی ۱۹۹۲ (پروتکل آب و بهداشت)، کنوانسیون ساختاری ملل متحد در مورد تغییرات آب و هوایی ۱۹۹۲، تصویب منشور اروپایی خاک ۱۹۷۲، تصویب منشور جهانی خاک ۱۹۸۱، کنوانسیون مربوط به حفاظت از آلپ ۱۹۹۱، کنوانسیون تنوع زیستی ۱۹۹۲، قانون شکار ۱۹۶۲ ماهیگیری ۱۹۸۲ فنلاند، قانون حیات‌وحش ۱۹۸۱ نروژ، کنوانسیون اروپائی حفاظت از حیات‌وحش و زیستگاه‌های طبیعی اروپا ۱۹۷۹، قانون حفاظت از محیط‌زیست و تنوع زیستی ۱۹۹۹ استرالیا، کنوانسیون حفاظت از لایه اوزون ۱۹۸۵ وین، تنظیم و تصویب شده است.

نهایتاً به نظر می‌رسد دو راه‌حل در اختیار کشورهای توسعه‌یافته باشد:

۱- ارائه کمک‌های کلان و قابل‌توجه به کشورهای در حال توسعه به منظور جبران خسارت وارده به آنها در اثر آلودگی جوی، از سوی کشورهایی که بیشترین مسئولیت در این خصوص متوجه آنها است.

۲- پرداخت وام به جهان سوم در راستای حمایت از اقدامات ناظر بر حفظ محیط‌زیست و صرف‌نظر کردن کشورهای پیشرفته از وام‌های داده‌شده به نفع محیط‌زیست. (ممتاز، ۱۳۷۷: ۳۴)

- 
1. United Nations Environment Program.
  2. Kiss

## الگوی نوین توسعه پایدار

هنگامی که کمیسیون جهانی محیط زیست و پایداری گزارش سال ۱۹۸۷ خود را ارائه داد، آینده مشترک ما، آن‌ها به نشان دادن مساله درگیری‌های بین اهداف محیط زیست و توسعه بواسطه فرموله کردن یک تعریف از توسعه پایدار بودند.

توسعه پایدار توسعه‌ای می‌باشد که نیازهای حال حاضر را بدون به خطر انداختن توانایی نسل‌های آینده برای برآورده کردن نیاز خودشان تأمین کند. در بحث گسترده‌تر و استفاده از این مفهوم پس از آن، بطور کلی یک بازشناسی از سه جنبه توسعه پایدار وجود دارد:

اقتصادی: یک سیستم پایدار اقتصادی باید قادر باشد محصولات و خدماتی را بصورت مداوم، برای نگهداری سطوح مدیریتی حکومت و بدهی‌های خارجی، و برای اجتناب از عدم تعادل شدید بخشی که به محصولات کشاورزی و صنعتی آسیب می‌رساند تولید کند.

زیست محیطی: یک سیستم زیست محیطی پایدار باید یک مبنای پایدار برای منابع را حفظ نماید، از بهره‌برداری بیش از حد از سیستم‌های منابع تجدیدپذیر یا کارهای از بین برنده محیط زیست، یا خالی کردن منابع تجدیدناپذیر در حوزه‌ای که سرمایه‌گذاری در جایجایی‌های مناسب انجام گرفته است اجتناب نمایند. این موضوع شامل حفظ تنوع زیستی، پایداری اتمسفری، و سایر عملگرهای اکوسیستم که بطور معمولی در دسته منابع اقتصادی طبقه‌بندی نمی‌شوند.

اجتماعی: یک سیستم اجتماعی پایدار باید به برابری سازمان یافته، قوانین مناسب خدمات اجتماعی شامل سلامت و آموزش، برابری جنسیتی، و مشارکت و ذی‌حساب بودن سیاسی دست یابد.

به وضوح، این سه عنصر پایداری بسیاری از پیچیدگی‌های تعریف اصلی ساده را معرفی می‌نماید. اهداف بیان شده پنبعدی می‌باشند، بوجود آمدن مساله چگونگی متوازن کردن اهداف و چگونگی قضاوت در مورد موفقیت یا شکست. به عنوان مثال، اگر تدارک مناسب غذا و آب نشان دهد که نیازمند تغییر است در زمین مورد استفاده آیا تنوع زیستی کاهش خواهد یافت؟ اگر منابع انرژی غیر آلاینده گران باشند، از اینرو افزایش بار این موضوع بر روی قشر فقیر، آن‌ها برای چه کسانی نسبت بیشتری از مصرف را ارائه می‌دهند؟ کدام هدف اولویت خواهد داشت؟

در دنیای واقعی، ما بندرت از تبادلات اجتناب می‌کنیم، و همانگونه که ریچارد نورگارد<sup>۱</sup> نشان داده، ما می‌توانیم تنها یک هدف را در زمان "حداکثر" کنیم. نورگارد نتیجه‌گیری کرد که توسعه پایدار با روش عملیاتی با جزئیات و با سطحی از کنترل فرض شده در منطق مدرنیته غیر ممکن می‌باشد. طبیعت نرمال موضوع توسعه پایدار تجزیه تحلیل کردن آن را دشوار می‌سازد.

---

1. Richard Norgaard

❖ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال هفدهم، شماره پنجاه و چهارم، بهار ۱۴۰۰ —

با این وجود، سه قاعده‌ای که در بالا آورده شده است در عرف جامعه تشدید می‌شوند. این قواعد مجموعه معیارهای چهارگانه را برای یک مفهوم قدرتمند، به سادگی قابل فهم که از نظر کاربردی می‌تواند گسترده باشد را برآورده می‌سازد. مطمئناً اگر ما قادر بودیم که به دستیابی به این اهداف سه گانه نزدیک شویم، جهای مکان بهتری می‌شد - و بطور معادل مطمئناً در هر سه زمینه کو می‌آوردیم. ممکن است شناخت عدم پایداری از پایداری ساده‌تر باشد - و شناخت ناپایداری می‌تواند به ما انگیزه دهد که سیاست‌های لازم را اتخاذ نماییم.

بسیار سازنده می‌باشد اینکه مساله را از دیدگاه‌های اصولی متفاوت آزمایش کنیم. مطمئناً مجموعه اهداف چهار گانه نیاز به درون نگری در رابطه با قواعد چندگانه می‌باشند. اقتصاددان‌ها، یکی ممکن است فرض کند که تمایل دارد که وزن بیشتر به اهداف اقتصادی بدهد، بوم‌شناسان به بعد زیست محیطی و تئوریسین‌های اجتماعی به مسائل اجتماعی وزن بیشتری می‌دهند. اما پیش از آنکه ما تلاش کنیم که این دیدگاه‌های متفاوت را متوازن کنیم، نیاز داریم که آن‌ها را درک کنیم و منطبق‌های درونی آنها را جستجو کنیم.

هر کدام از این سه حوزه بطور معمول به عنوان یک سیستم تلقی شدند: سیستم‌های اقتصادی، سیستم‌های زیست محیطی و سیستم‌های اجتماعی هر کدام منطبق‌های خاص خود را دارند. آنالیز کردن همه این سیستم‌ها به یکباره کار غیر ممکن می‌باشد. بعلاوه ما باید بررسی جداگانه هر کدام را شروع کنیم، همانطور که بواسطه گزارش گروه بالاتون<sup>۱</sup> شاخص‌های پایداری پیشنهاد شده:

سیستم کلی که جامعه بشری بخشی از آن است و همینطور برای پشتیبانی به آن وابسته است، از سیستم‌های جزئی بسیاری تشکیل شده است. کل سیستم نمی‌تواند به درستی عمل کند و نمی‌تواند پایدار بماند و به حیات خود ادامه دهد اگر سیستم‌های جزئی منحصر بفرد نتوانند به درستی عمل کنند. توسعه پایدار ممکن می‌باشد تنها اگر سیستم‌های جزئی مانند کل سیستم به حیات خود ادامه دهد. علیرغم عدم اطمینان مسیر توسعه پایدار لازم می‌باشد که سیستم‌های جزئی ضروری و شاخص‌هایی که می‌توانند این اطلاعات ضروری و قابل اطمینان را درباره حیات هر جزء و کل سیستم برآورده کنند شناسایی شوند. (هاشمی، ۱۳۸۴: ۴۶)

این موضوع نشان می‌دهد که ما می‌توانیم از شاخص‌های مختلفی برای ارزیابی ابعاد مختلف پایداری استفاده کنیم. شاخص‌ها به سنجش اشاره دارند؛ سنجش به تئوریک مفاهیمی که باید ارزیابی شوند.



### تخریب محیط زیست عامل ناپایداری توسعه

سال‌هاست که دانشمندان محیط‌زیست و بوم‌شناسان افزایش فعالیت‌های اقتصادی را عامل مهم تخلیه و نابودی منابع طبیعی معرفی کرده‌اند و نشان داده‌اند که با افزایش فعالیت‌های اقتصادی، پایداری و انعطاف‌پذیری اکوسیستم‌ها در معرض خطر جدی قرار گرفته است. بنابراین فعالیت‌های اقتصادی به تبع آن رشد و توسعه اقتصادی به وسیله ظرفیت‌های محیط زیست طبیعی محدود می‌شود. این وضعیت را در کاهش توان محیط طبیعی برای جوابگویی به نیازهای انسان باید جستجو نمود که این امر نیز خود ناشی از بهره‌برداری بیش از حد محیط می‌باشد. با توجه به افزایش میزان فعالیت‌های اقتصادی بشر در محیط زیست طبیعی و کاهش توان محیط به برآورده ساختن این نیازها و در واقع محدود بودن توان پاسخگویی محیط زیست برای تأمین‌خواسته‌های رو به تزاید بشر مفهوم توسعه پایدار وارد در ادبیات توسعه می‌شود. این مفهوم اولاً ضرورت نوعی بازنگری در تمام مفاهیم و روش‌های پیشین توسعه را مطرح ساخته و ثانیاً نشان می‌دهد که تأمین توسعه پایدار به همکاری تمام ملل و مردم جهان در چارچوب نهادهای ملی و بین‌المللی نیاز دارد. در دهه ۱۹۷۰ به کمک متفکران و دانشمندان علوم مختلف رشته جدیدی از اخلاق به عنوان اخلاق زیست محیطی پایه‌گذاری شد که فراتر از موضوع اخلاق سنتی به تنظیم روابط میان انسان‌ها محیط زندگی نظر دارد. این اخلاق بر این آموزه استوار است که زمین فقط یک منبع اقتصادی برای بهره‌کشی نیست بلکه موهبت و نعمتی است که در خور احترام و عشق است. آدامز از توسعه پایدار به عنوان توسعه سبز و سیاست سبز یاد می‌کند و ضمن توصیف روند تکاملی و تاریخی این مقوله در اروپا آن را برای تداوم نسل بشری و نسل‌های آتی ضروری می‌داند و از حفاظت طبیعی به عنوان پایه‌های توسعه آتی یاد می‌کند. بنابراین هدف از ایجاد توسعه پایدار را می‌توان اینگونه بیان کرد؛ ایجاد محیطی که در آن همه مردم بتوانند ظرفیت‌ها و توانایی‌های خود را بسط دهند و نیز بتوانند فرصت‌هایی را برای نسل‌های کنونی و آینده ایجاد کنند. پس ابزارهای واقعی این نوع توسعه خود مردم‌اند که از طرق برابری بین نسلی و میان نسلی، در نظر گرفتن افق‌های زمانی طولانی‌تر در برنامه‌ریزی‌ها، درک ارزش محیط زیست قابل دسترسی‌اند.

برای دستیابی به عدالت محیطی و توسعه پایدار لازم است تا مانع از تخریب بی‌رویه محیط زیست شد و به این شکل مانع از ناپایداری حیات در کره‌زمین شد در واقع با توجه به اینکه محیط زیست یکی از ارکان اصلی توسعه پایدار و عدالت محیطی می‌باشد در صورتی که تخریب شده و به صورت بی‌رویه از سوی انسان مورد بهره‌برداری قرار گیرد مانع از تحقق توسعه پایدار خواهد شد. به عبارت بهتر محیط طبیعی اساس و پایه لازم برای موجودیت انسان است و انرژی ماده‌ای را که لازمه تداوم زندگی و ادامه حیات و توسعه بشر در تمامی مراحل تاریخ بوده تأمین

۵ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال هفدهم، شماره پنجاه و چهارم، بهار ۱۴۰۰ —

نموده است. امروزه افکار عمومی نسبت به مسائل زیست محیطی تا حدودی تغییر پیدا کرده است که می‌تواند نقطه شروع مناسبی برای جنبش‌های زیست محیطی محسوب شود. این مسئله که تا مدتی تنها مورد توجه کارشناسان بود به سرعت توجه عمومی را به خود جلب کرده و حتی به صورت موضوعی برای جلب آرای مردم در مبارزات انتخاباتی درآمده است. از طرفی نیز جنبش‌های زیست محیطی و زیست بوم‌گرایی در سطح جهان به وجود آمده زیرا عده زیادی معتقد بودند که امکانات رشد و توسعه در روی زمین محدود است و با ادامه روندهای جاری موجودیت زمین و انسان در خطر نابودی قرار خواهد گرفت. انتشار گزارش باشگاه روم در سال ۱۹۷۵ یک هشدار جهانی بود که به پنج روند مخاطره آمیز اشاره داشت.

۱- صنعتی شدن شتابان

۲- رشد سریع جمعیت

۳- سوء تغذیه گسترده

۴- از بین رفتن منابع تجدید ناپذیر طبیعت

۵- تباهی محیط زیست

اصل پایداری بر دو قسم است. الف اصل پایداری ضعیف که بر طبق این اصل شرط لازم و کافی برای توسعه اقتصادی پایدار حفظ میزان سرمایه کل است و بنابراین رشد اقتصادی به شرطی می‌تواند ادامه یابد که در صورت ادامه از منابع طبیعی چون سوخت‌های فسیلی، انواع دیگر سرمایه تشکیل و جایگزین آن شود تا مجموعه سرمایه کل برای استفاده آیندگان کاهش نیابد. ب- اصل پایداری قوی که بر اساس این اصل میزان سرمایه طبیعی باید در طول زمان ثابت باشد و کل سرمایه‌های دیگر نیز ثابت بماند زیرا احتمال جایگزین شدن انواع دیگر سرمایه به جای سرمایه‌های طبیعی مثل لایه ازن وجود ندارد و به عبارت دیگر در فرآیند توسعه پایدار سرمایه‌های طبیعی و سایر سرمایه‌ها به عنوان مکمل هم مطرح می‌شوند و نه به عنوان جانشین هم.

### بحران زیست محیطی و پارادایم توسعه پایدار

در ده سال اخیر مفاهیم مختلفی از پارادایم توسعه پایدار رایج شده است که بیشتر بخش‌های آن را شاخه‌های مختلف جغرافیا تشکیل می‌دهد چرا که از توسعه پایدار شهری، مفاهیمی مثل شهر سبز، بوم شهر، شهر قابل زندگی، شهر چاره‌جو و شهر محیطی نام می‌برند که همه این مفاهیم از بار قوی جغرافیایی خبر می‌دهند. ملاحظه می‌شود که قلمرو پارادایم توسعه پایدار نه تنها به حفاظت از محیط زیست طبیعی و یا حیات وحش محدود نمی‌شود بلکه مفاهیمی نظیر شهر، روستا، انرژی، عدالت اجتماعی، توزیع عادلانه ثروت، مشارکت مردم در تصمیم‌گیری‌ها و

\_\_\_\_\_ تاملی بر جایگاه حق بر توسعه پایدار با رویکرد به نقش دولت‌ها ۵

برنامه‌ریزی‌ها را شامل می‌گردد. در واقع همه زوایای زندگی انسان امروزی و نسل‌های آینده را در بر می‌گیرد. توسعه پایدار فراتر از مسئله حفظ محیط زیست بوده و نیاز به برابری را در بر می‌گیرد. برابری در یک نسل جهت تأمین نیازهای اقشار ضعیف جامعه و برابری بین نسلی جهت تأمین نیازهای نسل آینده. برای ورود توسعه پایدار به جریان اصلی بحث‌های سیاست جهانی هیچ رویدادی تاثیرگذارتر از گزارش کمیته جهانی محیط زیست و توسعه که معمولاً با عنوان کمیته برانتلند شناخته می‌شود نبوده است. این گزارش که در سطح وسیعی به صورت یک کتابچه با عنوان آینده مشترک ما منتشر شد بیان‌کننده آن موضوعی است که امروز به عنوان تعریف متداول توسعه پایدار مطرح است. توسعه‌ای که نیازهای کنونی را بدون به خطر انداختن توانایی نسل‌های آینده برای تأمین نیازهایشان برطرف نماید. این تعریف مفاهیمی چون برابری نسلی و عدالت اجتماعی و به همان نسبت آگاهی زیست محیطی را در بر می‌گیرد و همچنین دلالت بر آن دارد که وجود یک چارچوب جهانی ضروری بوده و تاثیرات فرامحدوده‌ای نیز باید در نظر گرفته شود. افزودن پسوند پایدار به توسعه به علت گستردگی آثار جانبی طرح‌های توسعه در درمان جامعه و همچنین آثار فراملی و جهانی آنهاست. توجه به مساوئیل زیست محیطی که عمدتاً ابعاد زیست محیطی را شامل می‌گردد پس از توسعه صنعتی در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ میلادی در اروپا و آثار ناهنجار زیست محیطی آن‌ها به وجود آمد. در کل امروز توسعه پایدار به منزله هدفی برای یک دنیای تحت فشار و دارای مشکلات رو به تزاید به حساب می‌آید که پیش زمینه و مقوله آن توسعه زیست بوم است. این دیدگاه توسعه زیست بوم را در سطح محلی یا منطقه‌ای توأم با توانایی‌های بالقوه آن فضا با توجه و تاکید بر بهره‌برداری عقلانی از منابع. کاربرد فناوری و سازمان به گون‌های که طبیعت و انسان را مورد توجه قرار دهد تعریف می‌کند. از طرفی در توسعه پایدار به مفهوم عدالت محیطی نیز باید توجه کرد. دیدگاه عدالت محیطی تعادل در کاربری زمین و بهره‌برداری از منابع را در راستای پایداری کره‌زمین برای زندگی مطلوب انسان‌ها و سایر موجودات توصیه می‌کند و شاخص‌های توسعه پایدار را در چهار حوزه اصلی محیط، جمعیت و منابع و فرهنگ و جامعه و اقتصاد به رسمیت می‌شناسد. همچنین عدالت محیطی به تعادل‌های بوم‌شناسانه در شهر و روستا به ویژه در محیط طبیعی در جلوگیری از آلودگی زمین، هوا و آب‌ها تاکید دارد و با مصرف بی‌رویه منابع و بهره‌برداری بیش از حد منابع مخالف است.

### ابزارهای موجود برای توسعه پایدار

تدوین ضمانت اجرای قانونی به صورت مجزا و تعیین نهادی برای رسیدگی و اتخاذ تصمیم در خصوص عدول از سیاست می‌تواند یکی از راه‌های تضمین اجرای سیاست‌های زیست

◊ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال هفدهم، شماره پنجاه و چهارم، بهار ۱۴۰۰ —  
محیطی در راستای توسعه پایدار باشد. هر قدر ضمانت اجراها قوی‌تر بوده و مقررات سخت‌گیرانه‌تری را تدارک دیده باشد، احتمال سرپیچی و عدول از سیاست را کمتر کرده و سیاست به موفقیت نزدیک‌تر خواهد شد.

### توسعه پایدار و برابری بین نسلی

از سال ۱۷۰۰ میلادی این نگرانی به وجود آمد که رشد و توسعه اقتصادی ممکن است که ناپایدار باشد. این نگرانی‌ها در دهه‌های اخیر بسیار مورد تاکید قرار گرفته و تشدید شده‌اند اما منشأ متفاوتی دارند و از دیدگاه‌های مالتوس<sup>۱</sup> منشعب نشده‌اند. رشد اقتصادی سریع چین و هند هم این نگرانی‌ها را تشدید کرده است. اقتصاد دانان اخیراً بحث‌های خود در مورد توسعه پایدار را بر روی مفهوم برابری بین نسلی در استفاده از منابع متمرکز کرده‌اند و دیدگاه غالب در اکثر این بحث‌ها این است که هر نسلی از نسل‌های آینده باید حداقل به اندازه اجداد خود امکان استفاده از منابع طبیعی را داشته باشند.<sup>۲</sup>

این سؤال که آیا رشد اقتصادی ادامه دار و توسعه با توجه به نرخ بالای تولید و رشد جمعیت قابل تداوم است یا خیر، توجه بسیار زیادی را به خود معطوف داشته است. دیدگاه اصلی و غالب اقتصادی این است که توسعه اقتصادی پایدار تنها در صورتی حاصل می‌شود که میزان رفاه و برخورداری اقتصادی هر نسلی از نسل‌های آینده از نسل قبلی خود کمتر نباشد. به علاوه، بیشتر اقتصاددانان بر این باورند که میزان رفاه به صورتی مثبت و معناداری با سطوح بالای مصرف و یا درآمد به ازای هر فرد در ارتباط است. در نتیجه، هدف آن‌ها یافتن راهکارهایی جهت تضمین بالاترین میزان مصرف به ازای هر نفر می‌باشد به گونه‌ای که این میزان کاهش پیدا نکند. اما برخی از اقتصاددانان مالتوسی مدرن بر این باورند که این مورد هدف نامناسبی است. آن‌ها طرفدار یک سیستم اجتماعی هستند که در آن کسانی که درآمد بالاتری دارند حال چه در کشورهای فقیر باشند و چه در کشورهای مرفه به صورت مقتصدانه و میانه رو زندگی کنند. آن‌ها بر این باورند که نسل بشر باید تلاش کند تا آثار خود بر محیط زیست را به حداقل برساند. اما لازم به ذکر است که اگرچه این مسئله در تئوری برای همگان مطلوب است در عمل چندان ساده نیست.

سیستم بازار مبتنی بر رشد اقتصادی تداوم دار است به گونه‌ای که افراد بتوانند مشاغل خود

---

1. Malthus

2. <http://www.uq.edu.au/rsmg/docs/ClemWPapers/EEE/WP174.pdf>

\_\_\_\_\_ تاملی بر جایگاه حق بر توسعه پایدار با رویکرد به نقش دولت‌ها ۵

را حفظ نمایند. افراد به صورت اجتماعی در این سیستم درگیر هستند. در غیاب تغییر سازمانی، افراد وابسته به داشتن کار در سیستم بازار هستند و این مسئله نیازمند رشد اقتصادی مداوم است. به علاوه، ثروت مادی به عنوان نشان‌های از جایگاه اجتماعی و منبع قدرت اجتماعی مطرح است. در نتیجه، در بسیاری از جوامع کنترل ابراز و نمایش ثروت کار بسیار مشکلی است. اگر تنها گروه اندکی از مردم به صورت مقتصدانه زندگی کنند هم صرفه‌جویی اندکی در میزان استفاده از منابع طبیعی خواهیم داشت که مطلوب نیست. مورد دیگری که لازم به ذکر است رابطه بین ثروت و قدرت کشورها در سطح بین‌المللی و سیاسی است. به عنوان مثال، نفوذ چین در سطح بین‌المللی به میزان زیادی و مقارن با رشد اقتصادی این کشور افزایش یافته است. به شیوه‌های مشابه، بسیاری از کشورها تمایل دارند که دارای نفوذ و قدرت بین‌المللی شده و آن را حفظ نمایند. به عنوان مثال می‌توان به ایالات متحده اشاره نمود که به نظر می‌رسد که با رشد اقتصادی چین درگیر چالش جدیدی شده است. ملت‌ها هنوز هم به میزان زیادی وابسته به سلاح و تسهیلات هستند تا بتوانند نفوذ بین‌المللی خود را حفظ نمایند. پس همانگونه که بیان شد همه این‌ها به نوعی وابسته به منابع طبیعی هستند.

به رغم مشکلات مذکور و پیچیدگی مباحث تئوریک مرتبط با توسعه اقتصادی پایدار، هنوز هم باید با مشکلات حاصل از این توسعه مقابله کرده و با آن‌ها مواجه شویم. این وظیفه ماست که به نسل‌های آینده فرصت داشتن سطح مناسبی از درآمد را بدهیم و شرایطی را برای آن‌ها فراهم کنیم که در هماهنگی با طبیعت و یکدیگر به زندگی خود ادامه دهند. افراط در مصرف باید توسط ما متوقف شده و دیگران را نیز به این امر تشویق کنیم ضمن اینکه مبارزه با فقر هم باید تشویق شود. این موارد به دلایل زیست محیطی مطلوب هستند و می‌توانند زندگی سالمتر و بهتری را برای همه فراهم کنند.<sup>۱</sup>

### یکپارچگی عامل تحقق توسعه پایدار

جامعه بین‌المللی توسعه پایدار را به عنوان یک الگوی غالب به منظور بهبود کیفیت زندگی در سال ۱۹۹۲ در کنفرانس سازمان ملل در مورد محیط زیست و توسعه مورد شناسایی قرار داد. مفاهیم وابستگی متقابل و یکپارچگی به صورت شفاف در بند ۶ اعلامیه کپنهاگ در مورد توسعه اجتماعی در سال ۱۹۹۵ نیز آمده است. در مقدمه این اعلامیه اشاره می‌کند که توسعه

1. <http://www.uq.edu.au/rsmg/docs/ClemWPapers/EEE/WP174.pdf#page=1&zoom=auto,-107,848>

۵ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال هفدهم، شماره پنجاه و چهارم، بهار ۱۴۰۰ —

اقتصادی، اجتماعی و حفاظت محیط زیست به یکدیگر وابسته‌اند و عناصر توسعه پایدار را به صورت دو جانبه تقویت می‌کنند و چارچوبی را برای تلاش‌های ما در خصوص کیفیت بالاتری از زندگی برای همه مردم فراهم می‌کند. بند ۵ از اعلامیه ژوهانسبورگ ۲۰۰۲ در مورد توسعه پایدار این نکته را با اشاره به جمله زیر تأیید می‌کند که ما مسئولیت جمعی در قبال پیشبرد و تقویت وابستگی متقابل و تحکیم دو جانبه ارکان توسعه پایدار را در سطوح جهانی، منطقه‌ای، ملی و محلی می‌پذیریم.

در نشست جهانی ۲۰۰۲ ژوهانسبورگ، یکپارچگی یکی از موضوعات عمده‌ای بود که در مورد توسعه پایدار با تأکید خاص بر فقرزدایی مورد بحث قرار گرفت. یکی از تعهدات مورد نظر در اجلاس هزاره تلاش برای یکپارچه کردن اصول توسعه پایدار در درون سیاست‌ها و برنامه‌های دولت است. بند ۳۰ اعلامیه هزاره از ضرورت انسجام سیاسی بیشتر و همکاری بیشتر در میان نهادهای چند جانبه از قبیل سازمان ملل، بانک جهانی و سازمان تجارت جهانی صحبت می‌کند. تعریف توسعه پایدار براساس گزارش کمیسیون بروتلند چنانچه اشاره شد بیانگر وابستگی متقابل نسل‌ها است. براساس این اسناد و دیگر اسناد بین‌المللی واضح است که یکپارچگی و وابستگی متقابل برای توسعه پایدار امری بسیار بنیادین است.

مفاهیم یکپارچگی و وابستگی متقابل در حقوق بین‌الملل محیط‌زیست کاملاً با ماهیت زیست کره یعنی لایه‌های متحدالمرکز هوا، آب و خاک و آنچه که حیات روی زمین به آن وابسته است سازگار می‌باشد. دانشمندان به میزان زیادی فهمیده‌اند که وابستگی متقابل بنیادین بین عناصر گوناگون زیست کره وجود دارد و اینکه چگونه تغییر در یک جنبه می‌تواند بر جنبه‌های دیگر اثر گذارد و نقش‌های اساسی که طبیعت با توجه به حضور و فعالیت‌های بشری بازی می‌کند واقف هستند. در همین رابطه حقوق بین‌الملل محیط زیست بنیادی‌ترین زیرساخت جامعه بشری را نشان می‌دهد.

مفهوم یکپارچگی تعهد برای حرکت به سوی اهداف و ملاحظات زیست محیطی به سوی مرکز روابط بین‌الملل را نشان می‌دهد. برای مثال ملاحظات زیست محیطی به طور فزاینده‌ای یک ویژگی حقوق و سیاست اقتصادی بین‌الملل است. در همین زمینه می‌توان به مقدمه توافقنامه سازمان تجارت جهانی در سال ۱۹۹۴ اشاره کرد که به توسعه پایدار و حفاظت از محیط زیست اشاره می‌کند و همچنین معاهدات جهانی و منطقه‌ای زیاد دیگری وجود دارند که از رویکرد یکپارچه کردن محیط زیست و توسعه اقتصادی حمایت می‌کند. (هال، بیتا: ۲۰۰)

## اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت

منظور از مسئولیت مشترک مسئولیت‌پذیری کشورها برای حفظ محیط زیست یا قسمتی از آن در سطح ملی، منطقه‌ای و جهانی است. مفهوم مسئولیت مشترک از موقعیت منسجم و به هم وابسته کره زمین و قواعد حاکم بر منابعی که به عنوان میراث مشترک بشریت شناخت شده‌اند ناشی می‌شود. مفهوم اخیر در کنوانسیون سازمان ملل متحد در حقوق دریاها سال ۱۹۸۲ اهمیت پیدا کرد. در این کنوانسیون مفهوم منطقه بین‌المللی اعماق دریاها، شامل اعماق دریاها، اقیانوس‌ها، بستر و زیربستر و منابع موجود در آن به عنوان میراث مشترک بشریت محسوب شدند. (ماده ۱۳۶ کنوانسیون).

بسیاری از اسناد و توافقات بین‌المللی موجود در حوزه محیط زیست بدون مشارکت کشورهای در حال توسعه شکل گرفته است بنابراین سهم این کشورها برای انعکاس منافع و نگرانی‌های خود و تضمین حکمرانی متوازن نیازمند بازنگری است. برای نیل به این اهداف دستور کار ۲۱<sup>۱</sup>، ضرورت حمایت از مشارکت فعال و مؤثر تمام کشورها به ویژه کشورهای در حال توسعه در مذاکرات، اجرای بازنگری اسناد و توافقات بین‌المللی را از طریق وضع مقررات مناسب ارائه کمک‌های مالی و فنی و دیگر سازوکارهای موجود از جمله استفاده از تعهدات متفاوت را مورد شناسایی قرار می‌دهد.

این هدف حداقل به صورت جزئی تحقق پیدا کرد. مجمع عمومی سازمان ملل کمک‌های مالی و داوطلبان‌های برای کشورهای در حال توسعه به منظور مشارکت کامل و مؤثر در کنفرانس سازمان ملل متحد در خصوص توسعه زیست محیطی و پروسه‌های مقدماتی آن در نظر گرفت.

مفهوم مسئولیت یا تعهدات متفاوت به این معنی است که کشورها برای حفاظت از محیط زیست مسئولیت مشترک دارند. اما مسئولیت کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه برای عمل به این تکلیف متفاوت باشد. ای تفاوت به دلیل سهم متفاوت در ایجاد مشکلات زیست محیطی به لحاظ تاریخی با استفاده بی‌رویه از منابع طبیعی با الگوهای تولید و مصرف ناپایدار توسط کشورهای توسعه یافته و توانایی‌های مالی و تکنولوژیکی این کشورها در جلوگیری، کنترل و کاهش مشکلات زیست محیطی توجیه می‌شود. در واقع نه تنها مقدار سهم متفاوت می‌باشد بلکه ماهیت آن نیز متفاوت است. در تعیین مسئولیت‌های متفاوت عوامل زیادی مانند اوضاع و احوال، نیازهای خاص، توسعه اقتصادی کشورها، سهم تاریخی کشور یا گروهی از کشورها در

۱. دستور کار ۲۱ نیز در سال ۱۹۹۲ اظهار می‌دارد که اهمیت مشترک و سهم همه کشورها از جمله کشورهای در حال توسعه در شکل‌گیری معاهدات در حوزه حقوق بین‌الملل در خصوص توسعه پایدار باید در نظر گرفته شود.

۵ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال هفدهم، شماره پنجاه و چهارم، بهار ۱۴۰۰ —  
ایجاد مشکلات زیست محیطی دخیل هستند. مسئولیت متفاوت کشورها مفهومی است که به  
طور گسترده در معاهدات و رویه‌های کشورها مورد پذیرش قرار گرفته و معمولاً از آن به عنوان  
استانداردهای متفاوت یاد می‌شود.<sup>۱</sup>

برخی از کشورهای توسعه‌یافته نیز فشار جوامع خود را بر محیط زیست جهانی انکار می‌کنند  
امری که به لحاظ تاریخی غیرقابل انکار به نظر می‌رسد؛ به علاوه در خصوص حفاظت از محیط  
زیست ظرفیت‌های واقعی کشورهای در حال توسعه نیز امر تعیین‌کننده‌ای است. حفاظت از  
محیط زیست همان‌طور که قبلاً گفته شد نگرانی مشترک بشریت است اما کشورها اولویت‌های  
متفاوتی در چارچوب این نگرانی مشترک دارند. اولویت کشورهای توسعه‌یافته از جمله مشکلات  
ناشی از تخریب محیط زیست مانند آلودگی هوا، کاهش لایه ازن و خطر از بین رفتن تنوع  
زیستی است در حالی که اولویت‌های کشورهای در حال توسعه دستیابی به توسعه پایدار و ریشه  
کنی فقر است. در چنین شرایطی توسل به اصل برابری تعهدات طرف‌های کنوانسیون‌ها نه تنها  
به تحقق حاکمیت قانون در عرصه بین‌المللی کمکی نخواهد کرد بلکه باعث آسیب بیشتر به  
محیط‌زیست جهانی خواهد شد. برای تحقق این اهداف ضروری است که کشورهای توسعه‌یافته  
برای تضمین مشارکت کشورهای در حال توسعه در اسناد الزام‌آور زیست محیطی مرتبط با  
اولویت‌هایشان امتیازاتی را پیشنهاد کنند تا این توافقات مورد توجه و استقبال کشورهای در حال  
توسعه قرار گیرد. اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت مکانیسم نیل به چنین اهدافی است.

### عدالت بین نسلی و فرانسلی

عدالت هم در برگیرنده، عدالت فرانسلی یعنی حق نسل‌های آینده برای استفاده از یک سطح  
عادلانه از میراث مشترک و هم عدالت درون نسلی (حق مردم) در درون نسل کنونی در  
دستیابی منصفانه به منابع طبیعی کره زمین می‌شود. نسل حاضر حق استفاده و بهره‌مندی از  
منابع کره زمین را دارد اما استفاده از این حق باید مطابق با مقررات و با در نظر گرفتن تأثیر  
بلندمدت فعالیت‌های ایشان و حفظ منابع اصلی و محیط‌زیست جهانی برای انتفاع نسل‌های  
آینده بشر صورت پذیرد. در این سیاق به مفهوم انتفاع معنای موسعی که شامل دستاوردهای  
ذاتی، اجتماعی، محیط زیستی و اقتصادی می‌باشد داده شده است.  
شاید نخسین کسی که به نوعی دغدغه نسل‌های آینده را بتوان از کلمات وی استفاده کرد

---

1. Hungarian Central Statistics Office, HUNGARIAN OBJECTIVES FOR THE WORKING GROUP ON SDI, Working Paper No. 3, First meeting of the Joint UNECE/OECD/Eurostat Working Group on Statistics for Sustainable Development, Luxembourg, 3-4 April 2006



\_\_\_\_\_ تاملی بر جایگاه حق بر توسعه پایدار با رویکرد به نقش دولت‌ها<sup>۵</sup>

با طرح اینکه رشد روزافزون جمعیت نسل‌های آینده را با خطر کمبود منابع و گرسنگی روبرو می‌سازد مالتوس است. نظریه وی در عکس‌العمل به کتابی است که شخصی به نام گادوین نوشت. وی در این کتاب گفته بود زمین به اندازه کافی بخشنده است و می‌تواند همه فرزندان بشر را در ناز و نعمت سیر کند. ریکاردو نیز نوع دیگر محدودیت منابع را طرح کرده و ادعا کرده افزایش جمعیت سبب به کارگیری زمین‌های دارای حاصل خیزی کمتر شده و پدید آمدن رانت را در زمین‌های حاصل خیز به دنبال دارد. وی بر خلاف اسمیت و مالتوس معتقد است رانت بدون اینکه نشانه سخاوت طبیعت باشد نتیجه افزایش جمعیت و نادر بودن زمین‌های نامرغوب است. (نومن<sup>۱</sup>، ۲۰۰۶: ۳۴)

پیگو نیز به منظور حمایت از نسل‌های آینده مسئله پس انداز را طرح کرده و با این استدلال که چون افق دید انسان کوتاه و عمر او نیز محدود بوده و نتیجه پس انداز خود را نمی‌بیند منافع فعلی را بر آینده ترجیح می‌دهد. پیامد اینگونه خودخواهی به کاهش پس انداز، عدم سرمایه‌گذاری جدید و مصرف موهبت‌های طبیعی می‌انجامد. وی مثال‌هایی از قبیل پرورش ماهی بدون توجه به فصل پرورش عملیات فشرده کشاورزی که سبب از بین رفتن حاصل خیزی خاک می‌شود و اتمام منابع پایان پذیر شده و به منظور حمایت از نسل‌های آینده راهکارهای زیر را پیشنهاد کرده است.

- ۱- جلوگیری از وضع مالیات‌هایی که با پس انداز مخالف است
- ۲- وضع قانون برای جلوگیری از بهره‌برداری بی‌رویه از منابع پایان پذیر
- ۳- فراهم کردن انگیزه سرمایه‌گذاری در منابع به ویژه در جنگلداری که بازده آن طولانی است.

دب نیز اندیشه نیازهای آینده را با خردگرایی افراد را درباره منابع طبیعی ارتباط داده و معتقد است چون آنان در تصمیم‌گیری مربوط به نیازهای آینده خود تفکر عقلایی ندارند به صورت انفرادی نمی‌توانند وضع بازار را برای خود و دیگران پیش‌بینی کنند. در دهه‌های اخیر با طرح مسئله توسعه پایدار و تاکید فراوان اندیشه وران بر محیط زیست این مسئله با وسعت و دقت بیشتری در ادبیات اقتصاد توسعه، محیط زیست و منابع طبیعی و راهکارهای عملی نیز برای تحقق این منظور ارائه شد. بلتراتی، چپلنسیکی و هیل در مفهوم پایداری بر وجود دو عامل مشترک تاکید می‌کنند؛

- ۱- نیاز به ادامه راهبردهای توسعه سازگار با محیط زیست؛

۵ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال هفدهم، شماره پنجاه و چهارم، بهار ۱۴۰۰

۲- تاکید بر تأمین عدالت بین افراد نسل کنونی و در بین نسل‌ها<sup>۱</sup>

اینان درباره مطالعه‌های عدالت بین نسلی می‌گویند:

شاید گفتن این نکته منصفانه باشد که از دو عامل منابع و محدودیت‌های محیط‌زیست و عدالت موضوع عدالت بین نسلی در نوشته‌ها کمتر مورد توجه قرار گرفته است. رمزی، سولو و دیگران موضوع عدالت بین نسلی را بین اشخاص دیگر نامیده‌اند. همچنین این مطالعه‌ها در بررسی داسگوپتا و هیل به طور خلاصه آورده شده است. همچنین برخی از نویسندگان در چارچوب روش تنزیلی مطلوبیت‌گرایی به منظور تعریف مسیر انتخابی در به کارگیری منابع شکل گرفته‌اند. تعدادی از نویسندگان در مورد میزان خسارتی که این روش به تعادل متناسب بین حال و آینده وارد می‌کند اظهار تردید کرده‌اند. کلام و بروم در دفاع از به کارگیری نرخ تنزیل صفر در وضعیت افزایش کره زمین بحث کرده‌اند و رمزی و هارود درباره ابعاد اخلاقی این روش در وضعیت کلی‌تر انتقاد شدید کرده‌اند.

نویسندگان خود معتقدند نرخ تنزیل مثبت نوعی عدم تناسب اساسی بین نسل‌های حال و آینده به ویژه نسل‌های بسیار دور آینده پدید می‌آورد. تاکید بر پایداری یک رویکرد متقارن زمانی اقتصاد رفاه را می‌طلبد تا یک رویکرد بین زمانی که در آن سهم نسل‌های آینده از راه تنزیل به فراموشی سپرده شود. پادیلا نیز بعد از بیان اینکه توسعه پایدار بر توزیع بهتری از حقوق برای نسل‌های آتی دلالت دارد می‌گوید به رغم ماهیت روشن این عبارت تعداد کمی از نویسندگان همانند پیچ، براملی و هاوارث بر آن صحنه گذاشته‌اند. همچنین هوفه نیز درباره عدالت بین نسلی و وضعیت فعلی جهان در موقعیت فعلی می‌گوید طبیعت از دیدگاه اصولی و به خاطر ماهیت وجودی‌اش به تمام انسان‌ها و به تمام نسل‌ها به یک اندازه تعلق دارد. سرمایه‌ای است که باید هر نسلی بدون دست‌درازی به اصل سرمایه از آن برخوردار شود. هر کسی که از سرمایه‌های عمومی استفاده‌ای می‌برد وظیفه دارد دست کم همان مقدار سرمایه را برگرداند، همان‌گونه که پدر و مادر برای فرزندان خود ارث می‌گذارند هر نسلی هم موظف به واگذاری میراث ارزشمند و از آن جمله طبیعت سالم و زمین پربار برای نسل بعدی خویش است. اما حقیقت این است که ما اکنون در موقعیت وارونه‌ای به سر می‌بریم؛ مخارج و هزینه‌های نظام درمانی، بیمه بازنشستگی، وام‌ها و بدهی‌های ملی مرتب سیر فزاینده‌ای را نشان می‌دهد. از سرمایه‌گذاری در بخش‌های آینده ساز آموزش و پرورش و صنایع پایه‌ای کاسته می‌شود. چنین وضعی درباره نسل‌های آینده

---

1. National Statistics Institute of Portugal, SUMMARY OF THE PORTUGUESE WORK ON SDI, Working Paper No. 5, Second meeting of the Joint UNECE/OECD/Eurostat Working Group on Statistics for Sustainable Development, Oslo, 15-16 November 2006

تاملی بر جایگاه حق بر توسعه پایدار با رویکرد به نقش دولت‌ها  
به طور کامل غیرمسئولانه و ناعادلانه عمل می‌کند.

### نتیجه‌گیری

توسعه پایدار نوعی توسعه است که بهبود واقعی کیفیت حیات بشر و رسیدن به رشد اقتصادی و اجتماعی را همزمان با حفظ تنوع زیست محیطی مورد توجه قرار می‌دهد. هدف توسعه پایدار آشتی دادن میان مؤلفه‌های چندگانه توسعه و حفاظت از محیط زیست است، از طرف دیگر حق بر محیط‌زیست سالم انسان‌ها، تبدیل به یک قاعده عرفی شده است که نه تنها در اسناد و رویه قضایی بین‌المللی تأکید شده است بلکه امروزه از آن به عنوان یک حق بشری از نسل دوم یاد می‌شود، اما چگونه می‌توان توسعه‌ای داشت که در عین رسیدن به ترقی و تعالی جنبه‌های مختلف حیات بشری، محیط‌زیست سالم و پاک نیز برای بشریت حفظ شود زیرا حداقل توسعه اقتصادی نیاز به الزامات و زیرساخت‌هایی دارد که ممکن است محیط زیست بشر را با خطر همراه سازد و گاهی با آن در تعارض قرار گیرد، اینجاست که توسعه پایدار به عنوان نوش دارویی سبب برقراری ارتباط میان توسعه و محیط‌زیست می‌شود، در توسعه پایدار، حق بر محیط‌زیست سالم نیز مد نظر است، الگویی است که اولویت را به رعایت الزامات زیست محیطی داده است در پاسخ به سؤال طرح شده باید گفت از آنجا که توسعه پایدار دارای هسته‌های سختی است که یکی از آن‌ها، رعایت حق بر محیط زیست سالم است به نظر می‌رسد هر دو هدف واحدی را دنبال می‌کنند و آن حرکت هدمند جهت تضمین و تثبیت حق توسعه و حفظ محیط زیست نسل حاضر و رعایت حق بر محیط سالم و «متوازن» و نیازها و منافع نسل‌های آینده است که منجر به شکل‌گیری مفهوم جدیدی در حقوق بین‌الملل محیط زیست به نامحق نسل‌های آینده شده است. الزام تمتع و استیفا حق نسل‌های آینده رعایت کامل توسعه پایدار و استفاده از ایده انصاف بین نسلی از طریق به کارگیری مکانیسم جدیدی به نام «اقتصاد سبز» است که الزم است معیارها و سیاست‌های اقتصاد سبز توسط دولت‌ها تدوین و تصویب گردد تا «توسعه پایدار از گفتار به عمل» تبدیل گردد.

## منابع

- آوتویت، ویلیام، تام باتامور (۱۳۹۲). **فرهنگ علوم اجتماعی قرن بیستم**. ترجمه حسن چاوشیان. نشر نی. چاپ اول.
- حاتمی، علی و کریمیان، اسماعیل (۱۳۹۳). **حقوق سرمایه‌گذاری خارجی در پرتو قانون و قراردادهای سرمایه‌گذاری**. نشر تیسرا. چاپ اول.
- زاهدی، شمس السادات (۱۳۹۸). **نشر سمت**. چاپ اول.
- شریعت، سید محمود (۱۳۹۵). **مقدمه‌ای بر ارزیابی زیست محیطی**. نشر سازمان حفاظت محیط‌زیست، چاپ اول.
- شمسایی، محمد (۱۳۸۵). «**حقوق بین‌الملل اقتصادی و اصل توسعه پایدار**»، مجله پژوهش حقوق و سیاست. (۱۹).
- شهبازی، آرامش، برلیان، پویا (۱۳۹۷). **نقش زیست فناوری در توسعه حقوق بین‌الملل محیط‌زیست**. نشریه مطالعات حقوق عمومی. (۴۸).
- شیلتون، دینا و الکساندر (۱۳۸۹)، **کیس ، کتابچه قضائی حقوق محیط زیست**، ترجمه محسن عبدالهی، تهران، انتشارات خرسندی.
- عباسی، بیژن (۱۳۹۰). **حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین**، نشر دادگستر، چاپ اول.
- فیتز پتریک، تونی (۱۳۹۱). **نظریه رفاه**، ترجمه هرمز همایون پور، نشر موسسه تأمین اجتماعی، چاپ اول.
- کریستیان تاموشات (۱۳۹۶). **حقوق بشر**، ترجمه و نگارش حسین شریفی طرازکوهی، تهران، نشر میزان.
- الکساندر کیس و دیگران (۱۳۹۴). **حقوق محیط‌زیست**، جلد اول، ترجمه و تلخیص محمد حسن حبیبی، تهران، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ دوم.
- کهن، گوئل (۱۳۹۶). **شاخص‌شناسی در توسعه پایدار: توسعه اقتصادی و حساب‌های ملی در بستر سبز**، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.
- گروه صلح کرسی حقوق بشر، صلح و دموکراسی یونسکو دانشگاه شهید بهشتی، (۱۳۹۸)، **حقوق زیست محیطی بشر**، تهران: نشر دادگستر.
- ممتاز، جمشید و دیگران (۱۳۷۷). **حقوق بشر در پرتو تحولات بین‌المللی**، ترجمه تحقیق و نگارش حسین شریفی طرازکوهی، تهران، نشر دادگستر.

- \_\_\_\_\_ تاملی بر جایگاه حق بر توسعه پایدار با رویکرد به نقش دولت‌ها
- نصیری، حسین (۱۳۹۹). **توسعه پایدار چشم‌انداز جهان سوم**، تهران، فرهنگ و اندیشه، ۱۳۹۹
- هاشمی، روح‌الله (۱۳۹۴). **بررسی مسولیت کیفی اشخاص حقوقی در ایران بانگرشی به حقوق انگلیس و فرانسه**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
- وکیل، امیرساعد و عسکری، پوریا (۱۳۹۳). **نسل سوم حقوق بشر حقوق همبستگی**، انتشارات مجد.
- Hall S. (2000). **Department for Environment, Food and Rural Affairs, United Kingdom, INVESTIGATION OF COMMONALITIES IN EXISTING SUSTAINABLE DEVELOPMENT INDICATORS**, Working Paper 10, Third meeting of the Joint UNECE/OECD/Eurostat Working Group on Statistics for Sustainable Development, Geneva, 19-20 April 200
- Hungarian Central Statistics Office, **HUNGARIAN OBJECTIVES FOR THE WORKING GROUP ON SDI**, Working Paper No. 3, First meeting of the Joint UNECE/OECD/Eurostat Working Group on Statistics for Sustainable Development, Luxembourg, 3(4). April 2006
- Jan, Honcock (2019). **Environment Human Rights: Powe, Ethics, and law**, Ashgate Publishing, England.
- Marie,Claire.Cordenier Segger and Ashfag Khalfan(2016). **Sustainable Development Law**, oxford university press, New York.
- National Statistics Institute of Portugal(2006). **SUMMARY OF THE PORTUGUESE WORK ON SDI**, Working Paper No. 5, Second meeting of the Joint UNECE/OECD/Eurostat Working Group on Statistics for Sustainable Development, Oslo, 15-16 November.
- Pearce, Annie R (1999). **the science and engineering of sustainability**: a primer technical paper produced for the institute of sustainable technology and development
- Sueli,Giorgetta(2004). **The Right to Healthy Environment, Nico schrijver, friedell weiss, International Law and Sustainable development , principles and practice**, Martinus Nijhoff.